

An Analysis of Self-Sacrificial Culture Impact on the Soft Power and the Soft Security of the Islamic Republic of Iran

Jafar Heydari *

Hossein Massoudinia **

Sayyed Gholamreza Davazdahemami **

Jafar Heydari****

Received: 2019/03/22

Accepted: 2019/05/08

Abstract

The concepts of "power" and "culture" have undergone semantic changes in recent years. Today, "cultural power" is considered the basis of national power. The role of "culture" in increasing the "soft power" and "soft security" of a country has become more serious and influential in the development of power in every country. The conceptual transition of power from the field of hardware to software has become the center of focus among political executives. This transition necessitates its own specific conditions among which we can refer to the type of political culture. The Islamic Revolution of Iran is endowed with a unique cultural structure that distinguishes it from other revolutions in the world. This is rooted in self-sacrificial culture, martyrdom and resistance that arise from people's deep religious convictions. This research has been carried out using library and documentary methods and the analysis of the gathered data with descriptive-analytical method. At first, there is a reference to the development of power, soft power, and components of soft power with an emphasis on sacrificial and resistance cultures and subsequent to the enemies' cultural invasion and attempt to sow seeds of tension and crises in the Islamic Republic of Iran, the results prove the necessity of relying on the genuine and priceless Islamic cultures of sacrifice and resistance as the best strategy and model of improving both the soft power and soft security.

Keywords: Self-Sacrifice, Power, Soft Power, Soft Security, Culture

* Ph. D. Candidate of Political Science, University of Isfahan, jfrheidari@gmail.com

** Associate Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, (corresponding author) h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, gh.12ememi@ase.ui.ac.ir

**** Assistant Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, m.rahbarqhazi@ase.ui.ac.ir

تجزیه و تحلیل تأثیر فرهنگ ایثار بر قدرت نرم و امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

جعفر حیدری *

حسین مسعودنیا **

سیدغلامرضا دوازده امامی ***

محمودرضا رهبر قاضی ****

چکیده

مفاهیم «قدرت» و «فرهنگ» در دوران اخیر دچار تحول معنایی شده است. حالا «قدرت فرهنگی» به عنوان مبنای اساسی قدرت ملی مطرح شده است. نقش «فرهنگ» در افزایش «قدرت نرم» و «امنیت نرم» یک کشور، جدی تر شده و نقش مهمی در تحولات و شکل گیری قدرت هر کشور ایفا می کند. گذار مفهومی قدرت از حوزه سخت افزاری به حوزه نرم افزاری، امروزه مورد توجه کارگزاران سیاسی کشورها واقع شده است. حصول به جنبه نرم افزاری قدرت، شرایط خاص خود را می طلبد که نوع فرهنگ سیاسی یکی از لوازم اصلی برای تحقق هدف مذکور است. انقلاب اسلامی ایران ساختار فرهنگی منحصر به فردی را داراست که آن را از تمامی انقلاب های جهان جدا می کند. این انقلاب بر پایه فرهنگ ایثار، شهادت و مقاومت در باورهای عمیق مذهبی و فرهنگی مردم ایران ریشه دارد. این پژوهش بر مبنای روش کتابخانه ای و اسنادی و تجزیه و تحلیل یافته ها با شیوه توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفته است. ابتدا به بررسی و سیر تحولات قدرت، شکل گیری قدرت نرم و مؤلفه های قدرت نرم با تأکید بر فرهنگ ایثار و مقاومت پرداخته شده است و با توجه به توانایی دشمنان در احاطه و کاربرد تهاجم فرهنگی در تلاش برای فشار و ایجاد بحران در جمهوری اسلامی ایران، این پژوهش بهترین رهیافت و الگوی ارتقای قدرت نرم و امنیت نرم را استفاده و رجوع به فرهنگ اصیل و گهربار اسلامی فرهنگ ایثار و مقاومت می داند.

واژگان کلیدی: ایثار، قدرت، قدرت نرم، امنیت نرم، فرهنگ

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
jfrheidari1@gmail.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران
h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

*** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.
gh.12emami@ase.ui.ac.ir

**** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.
m.rahbarghazi@ase.ui.ac.ir

۱. مقدمه

فرهنگ و مذهب یکی از قوی‌ترین شاخص‌های قدرت نرم و نیروهای مؤثر در هر کشوری شمرده می‌شوند. عامل فرهنگ و مذهب به‌عنوان یکی از ارکان قدرت نرم هنوز دلیل وجود و بقای بسیاری از کشورهاست (جردن و روانتری، ۱۳۸۱، ص. ۱۷۱). فرهنگ مذهبی تشیع در ایران یکی از پایه‌های اساسی علت وجودی دولت-ملت ایران معاصر به شمار می‌آید (مجتهدزاده، ۱۳۹۰، ص. ۳۳۹). انقلاب اسلامی ایران ساختار و ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست که آن را از تمامی انقلاب‌های جهان جدا می‌کند. انقلاب اسلامی نتیجه تغییر و تحولاتی بود که در عرصه‌های دینی و فکری ایجاد شده و بر اساس نوعی آرمان و هویت مذهبی شکل گرفت. بنابراین شکل‌گیری انقلاب اسلامی که بر پایه فرایندها و چشم‌اندازهای مذهبی بوده و بیش از آنکه به فرایندهای اقتصادی مربوط باشد، باید آن را امری فرهنگی در نظر گرفت (کیانی، سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص. ۵۲). ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های اسلام و تأکید بر مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلامی شکل گرفته است. این مسئله باعث ایجاد تفاوت اساسی با سایر نظام‌های مختلف در دنیا می‌باشد. بنابراین در مفهوم‌سازی اولیه از قدرت نرم که توسط جوزف نای ارائه شده است، مؤلفه‌هایی مثل فرهنگ، دیپلماسی عمومی و ارزش‌های سیاسی و در نهایت مطلوب‌های سیاست خارجی بیان گردیده است (نای، ۱۳۹۰، ص. ۴). اما منابع قدرت نرم اسلامی، برخلاف منابع غربی بر ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، ولایت‌مداری، حق‌گرایی و استقلال‌طلبی استوار است، به‌گونه‌ای که ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی بر روند تحولات خودباوری دینی و بیداری اسلامی در حوزه پیرامونی خود و جهان نیز تأثیرگذار بوده است. بی‌شک در میان عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران روحیه ایثار و شهادت‌طلبی، مقاومت و ایستادگی در مقابل ظلم و ستم که به‌نام فرهنگ ایثار و

شهادت شناخته می‌شود، مهم‌ترین قدرت نرم فراملی شیعه و اسلام است. فرهنگ سیاسی به‌عنوان یک مقوله نرم‌افزاری، نقش مهمی در توسعه سیاسی و اجتماعی جوامع ایفا می‌کند، زیرا مطالعه و تحقیق درباره فرهنگ سیاسی، علاوه بر آنکه کلید فهم و تبیین ساخت سیاسی و ساختارها را به دست می‌دهد، از این لحاظ نیز مفید است که امکان مطالعه دقیق‌تر رفتارهای سیاسی بازیگران سیاسی را نیز فراهم می‌آورد (هاشمی مطهر و عودی، ۱۳۹۷، ص. ۲). از طرف دیگر، فرهنگ سیاسی به معنای ایستارها و باورهای احساسی افراد نسبت به نظام و نخبگان سیاسی، نقش مهمی در افزایش قدرت نرم یک کشور دارد؛ زیرا یکی از مفاهیمی که در دوران اخیر دچار تحول معنایی شده است، مفهوم قدرت می‌باشد. گذار مفهومی قدرت از حوزه سخت‌افزاری به حوزه نرم‌افزاری، امروزه مورد توجه کارگزاران سیاسی کشورها واقع شده است. حصول به جنبه نرم‌افزاری، قدرت شرایط خاص خود را می‌طلبد که نوع فرهنگ سیاسی یکی از لوازم اصلی برای تحقق هدف مذکور است، بنابراین یکی از متغیرهایی که نقش مهمی در تقویت قدرت نرم یک کشور ایفا می‌کند، نوع فرهنگ سیاسی است. به اعتقاد کارشناسان، مشروعیت سیاسی، یکپارچگی و توان سیاست‌سازی از ارکان اصلی قدرت نرم در بُعد داخلی به شمار می‌آید و این مسئله خود ریشه در نوع فرهنگ سیاسی یک جامعه دارد.

۲. بیان مسئله

از فرهنگ در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود؛ چرا که قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقتناع است. به‌نحوی که امروزه این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت (قدرت نظامی و تسلیحاتی) که توأم با اجبار و خشونت است به کار می‌رود. اخیراً عرصه روابط بین‌الملل، به‌شدت، تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد. از این‌رو، کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی و به عبارتی، دسترسی به قدرت نرم،

از جمله اهداف مهم و درعین حال، تصریح نشده دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است که این مهم، به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و مکانیسم‌های مختلف تعقیب می‌گردد. از سویی، قدرت‌یابی و کسب و تولید قدرت در دنیای جدید در مقایسه با گذشته از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند و به‌نوعی، متغیرهای جدیدی را جهت تولید، و اعمال قدرت و نیز تحلیل مسائل بین‌المللی، وارد حوزه روابط بین‌الملل کرده است.

نای معتقد است وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شوند و بنیاد سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک جهانی تشکیل دهند، احتمال اینکه نتایج مطلوب تحصیل شود، افزایش می‌یابد (نای، ۱۳۸۹، ص. ۵۲). بررسی‌ها حکایت از اهمیت فرهنگ و مطالعات فرهنگی در حوزه سیاست و اجتماع دارد و این امر تأثیر فرهنگ بر شاکله رفتاری بشر را دوچندان می‌کند؛ چراکه همه انسان‌ها زندگی را بر پایه مبانی فکری و ارزشی گزینش می‌کنند و برای بقا و دوام آن تلاش کرده و به‌راحتی تغییرات را نمی‌پذیرند (کوئن، ۱۳۷۲، ص. ۵۹). کاملاً واضح و مبرهن است که نتایج استفاده از قدرت نرم برخلاف قدرت سخت و به‌خصوص از نوع فرهنگی آن، در درازمدت به بار خواهد نشست و صبوری بسیاری را از سوی دولتمردان می‌طلبد، چراکه به باور نای برخلاف اهرم‌های سیاست‌گذاری که در دست دولت است، فرهنگ و ارزش‌ها ریشه در جوامع مدنی دارند (نای، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۲). بنابراین توسعه جامعه مدنی و تقویت ارزش‌های فرهنگی، ملی و میهنی باعث بالا رفتن امنیت ملی و حس اعتماد ملی برای به‌کارگیری قدرت نرم خواهد شد. علاوه بر آن آگاهی مردم از نقش خود در ایجاد و اعمال قدرت نرم فرهنگی، ضریب اطمینان صحت عمل آن را به‌شدت بالا خواهد برد. هر یک از جذابیت‌های فرهنگی مانند فرهنگ ایثار از سوی کشورها در صورتی که دارای جذابیت منطقه‌ای و بین‌المللی باشند می‌توانند در یک فضای گفتمانی توجه دیگران را به خود جلب کنند. وارد شدن دیگران به فضای گفتمانی جذاب مبتنی بر فرهنگ یک کشور، آن کشور را به فضایی رؤیایی برای رسیدن به

اهداف خود بدون توسل به زور و خشونت و صرفاً با توسل به ایجاد جذابیت‌های فرهنگی تبدیل می‌کند. غنای فرهنگی در این زمینه بسیار مهم است، چرا که فرهنگ‌های منسوخ به فراموشی سپرده شده و جایی در این کارزار ندارند و فرهنگ‌هایی مانند فرهنگ ایثار و شهادت موفق و مورد توجه هستند که علاوه بر زنده و پویا بودن، دارای عناصری قابل توجه از جذابیت بوده و دیگران را به خود می‌خوانند. مهم‌ترین کارکرد قدرت نرم را در حوزه فرهنگی می‌توان مشاهده کرد، چراکه در این حوزه تولید جذابیت به منظور اقناع‌سازی و تأثیرگذاری فرهنگی صورت می‌گیرد و دیگر بخش‌ها را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می‌دهد. بنابراین قدرت نرم با منابع نامحسوس مثل فرهنگ ارتباط دارد (پوراحمدی، ۱۳۸۹، صص. ۲۹۷-۲۹۶). از نظر برخی نویسندگان، برخی از فرهنگ‌ها به علت داشتن ویژگی‌های غنی و برتر بیش از فرهنگ‌های دیگر به منبعی برای قدرت نرم کشورها تبدیل می‌شوند (الیاسی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۴). بر اساس این، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که فرهنگ غنی ایثار و شهادت چه نقشی در میزان افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

مایلی و مطیعی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» معتقدند که استفاده بیشتر جمهوری اسلامی ایران از قدرت نرم (دانش، فرهنگ و ایدئولوژی) باعث تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران می‌شود؛ قدرتی که از آن برای افزایش نفوذ خود در کشورهای منطقه‌ای از طریق سیاست خارجی بهره می‌برد. مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» نشان می‌دهد که در نظام جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ سیاسی ارزشی غالب است که به تبع آن، نوع مشروعیت سیاسی نظام نیز سمت و سوی ارزشی دارد. آموزه‌های اعتقادی تشیع در جامعه ما می‌تواند به شکل‌گیری و تقویت این نوع مشروعیت (ارزشی) کمک نماید. افزایش میزان مشروعیت

نظام بدون تردید افزایش قدرت نرم را به دنبال خواهد داشت. رفیع و نیک‌روش (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم» معتقدند قدرت نرم به مثابه یکی از ارکان سیاست بین‌الملل در عصر حاضر، جایگاه رفیعی یافته است، به گونه‌ای که سیاست‌مداران برای دستیابی به آن تلاش زیادی دارند. علت این امر را می‌توان در کارآمدی و موفقیت قدرت نرم نسبت به اشکال کلاسیک قدرت (قدرت سخت و برهنه) دانست. هرسیج (۱۳۹۰) در مقاله «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» معتقد است که نوع قدرت نرم مورد استفاده در جمهوری اسلامی، در مقایسه با نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی، از نوع قدرت نرم رشد محور، به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون اجبار و اغوا، و عمدتاً بر پایه ارشاد است. سه مؤلفه اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مرکب از نظریه مردم‌سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی، دارای عناصری تفکیک‌ناپذیر از یکدیگر هستند که برگرفته از مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و به‌ویژه فرهنگ متعالی شیعه است، و توانسته در مقایسه با نظام‌های سیاسی موجود افکار و اذهان مردم ایران و کشورهای منطقه را به خود جلب و جذب نماید.

۴. مبانی مفهومی

فرهنگ: «فرهنگ» نظام‌واره‌ای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (مرکز مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۱، ص ۵).

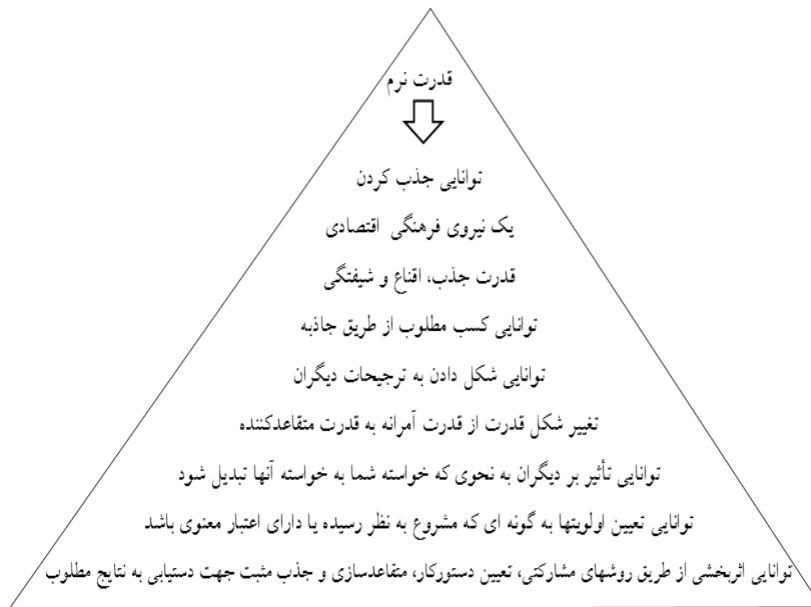
۴-۱. **ایثار و شهادت:** ایثار در لغت به معنی برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۶۸۲) و در اسلام به معنای تلاش، فداکاری، بخشش و اخلاص در راه خدا آمده است که بیانگر رشد و معرفت الهی انسان است و با مفاهیمی همچون شهادت، خیرخواهی و دیگرخواهی همراه است. و همین‌طور شهادت در لغت به معنی گواه و در اصطلاح

کسی که در مورد مسئله‌ای گواهی و شهادت بدهد، مطرح گردیده است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص. ۲۲۵).

۴-۲. قدرت: توانایی حرکت دادن فردی یا جمعی انسان‌ها در جهت مطلوب از طریق اقناع، تطمیع، بده و بستان یا اجبار است. قدرت توانایی به حرکت درآوردن دیگران یا وادار ساختن آن‌ها به انجام یا عدم انجام امری است که به ترتیب طالب انجام یا عدم انجام آن هستیم. قدرت، توانایی کلی یک دولت برای کنترل رفتار دیگر دولت‌هاست (هالستی، ۱۳۶۶، ص. ۱۲). قدرت را معمولاً به‌عنوان رابطه اعمال نفوذ و تأثیرگذاری توانایی یک بازیگر برای واداشتن بازیگر دیگر به انجام عمل مطلوب خود یا بازداشتن وی از رفتار نامطلوب تلقی کرده‌اند. توماس هابز نیز مانند ماکیاولی قدرت را تعیین‌کننده رفتار بشر می‌داند. بشر نیاز ابدی و سیری‌ناپذیری به قدرت دارد که تنها با مرگ پایان می‌گیرد. و بر نیز ویژگی اصلی سیاست را مبارزه برای کسب قدرت می‌داند. گالبرایت نیز با تأسی به تعریف ویر از قدرت، در مورد ابعاد مختلف قدرت تحقیق مناسبی ارائه کرده است: «امکان تحمیل اراده فرد بر رفتار دیگران» (آقابخشی، ۱۳۶۶، ص. ۲). تعریف ما در این تحقیق از قدرت عبارت است از: توانایی دفع تهدیدات، استفاده از فرصت‌ها و رفع آسیب‌پذیری‌ها برای صیانت از امنیت ملی».

۴-۳. قدرت نرم: اگر قدرت را به معنای توانایی تأثیرگذاری بر دیگران به‌منظور کسب نتایج دلخواه در نظر بگیریم، قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق «جاذبه» نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم توانایی شکل‌دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است به‌نحوی که تضمین‌کننده اطاعت و فرمان‌برداری آنان باشد. توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روش‌های مشارکتی، تعیین دستور کار، متقاعدسازی و جذب مثبت جهت دستیابی به نتایج مطلوب حاصل می‌گردد.

(Lukes: ۲۰۰۷، ۹۰ & Ny, ۲۰۰۷، ۱۶۳).



نمودار (۱): مفهوم و کارکرد قدرت نرم: جوزف نای (طراحی شده توسط محقق)

۴-۴. امنیت: امنیت از حیث لغوی به معنای «در امان بودن» و «بی‌بیمی» است (معین، ۱۳۷۵، ص. ۳۵۴) که از آن با واژگان دیگری چون «اطمینان»، «آرامش»، «حمایت»، «محافظت» نیز تعبیر می‌شود (سیاح، ۱۳۷۱، صص. ۴۸-۴۹ و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲). از حیث اصطلاحی شایع‌ترین دیدگاه، تعریف امنیت به وضعیت مبتنی بر نبود تهدید برای منافع یک بازیگر است که با رویکرد سلبی ارائه شده است. در همین ارتباط می‌توان به تعریف ایجابی امنیت اشاره داشت که در آن امنیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها نسبتی متعادل وجود دارد که تولید رضایت می‌نماید (افتخاری، ۱۳۷۷، صص. ۲۷-۳۰ و همان، صص. ۹۱-۸۰).

۵. مبانی نظری

۵-۱. گفتمان فرهنگی ایثار، شهادت و مقاومت

گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی و همین‌طور شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات سیاسی- اجتماعی‌اند. از نظر فوکو گفتمان‌ها هم چون اعمالی هستند که به طور نظام‌مند موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها سازنده موضوعات‌اند و در فرآیند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۷۵، ص. ۴۸). گفتمان‌ها، روش‌های صحبت کردن، فکر کردن و یا باز نمودن موضوع و یا مبحثی خاص هستند. آنها دانش معناداری را درباره آن موضوع پدید می‌آورند. این دانش بر کردارهای اجتماعی اثر می‌گذارد، از این رو پیامدها و عواقب واقعی دارند. گفتمان‌ها را نمی‌توان به منافع طبقاتی تقلیل داد ولی همیشه در نسبت با قدرت عمل می‌کنند. آنها بخشی از شیوه اعمال قدرت و مبارزه بر سر قدرت هستند (هال، ۱۳۸۶، صص. ۶۱-۶۲). اشکال مختلف گفتمان همیشه به عنوان ابزارهایی مؤثر، نه فقط برای حفظ وضع موجود جوامع، بلکه برای ساخت، شکستن ساخت، حتی بازسازی جوامع به کار گرفته شده است (دهقانی، ۱۳۹۴، ص. ۵).

در اندیشه و فرهنگ سیاسی شیعه، ایثار و شهادت به‌عنوان یک اصل، عامل نجات‌بخش، هدف استراتژیک و عامل تأثیرگذار تلقی می‌گردد. این فرهنگ ریشه در اعتقادات دینی و باورهای مردم دارد. فرهنگ ایثار و شهادت طلبی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع قدرت نرم در بین مسلمانان محسوب می‌گردند (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۹، ص. ۹۹). حضور این عناصر در حیات سیاسی - اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای در هویت دینی، فرهنگی و بومی آنان دارد. این عناصر (ایثار و مقاومت) که تنها در منظومه فکری و هویت‌ساز مسلمانان یافت می‌شود، عناصری هستند که حضورشان برای فرهنگ و تمدن اسلامی، هویت‌ساز و بسترساز اعتمادبه‌نفس و خودباوری مسلمانان و ترس دشمنان است، این عناصر فرهنگی نه‌تنها در پیروزی، بلکه در دوام آن برای جامعه اسلامی نیز مؤثر است. به‌عبارت‌دیگر به هراندازه که فراموشی فرهنگ ایثار

و شهادت در جامعه اسلامی موجب شکست و ضعف مسلمانان می‌گردد به همان اندازه برخوردار از روحیه ایثار و مقاومت، آفریننده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان می‌شود (محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰).

مقاومت از اصول اولیه زندگی بشری است که انسان بدون بهره‌مندی از آن هرگز قادر به زندگی نخواهد بود. قرآن آن را واجب شرعی و ضرورت بشری می‌داند که فقدان آن، موجب فساد در زمین خواهد شد. مقاومت، سیاست و سلوکی ممتد است و نه حادثه یا لحظه، بلکه کاری تمدنی، فراگیر، مستمر، متکامل و مستقل در رویارویی با مبارزه‌طلبی‌ها، دشمنی‌ها و تجاوزگری‌ها یا هر مورد دیگری است که برهم‌زننده تعادل و توازن باشد (میرقادری، کیانی، ۱۳۹۰، ص. ۷۰). بر اساس این، مقاومت، بر کلیه عکس‌العمل‌هایی اطلاق می‌گردد که ممکن است به شکل تدابیر اجرایی و بازدارنده باشد و گروه یا سازمان یا فردی در رویارویی با تهدیدها، خطرهای تجاوزهای خارجی یا داخلی با آن روبه‌رو می‌شود (مطلق شفقور، ۲۰۰۹، صص. ۲۰-۲۱).

امام خمینی (ره) فرهنگ را کارخانه آدم‌سازی می‌داند: «فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است... فرهنگ سایه‌ای است از نبوت» (صحفیه نور، ج ۶، صص. ۲۳۶-۲۳۷) «در نگاه مقام معظم رهبری فرهنگ از چنان اهمیتی برخوردار است که با سرنوشت اجتماعی ملت‌ها گره خورده است. این مسئله نشان‌دهنده اهمیت فرهنگ در اندیشه رهبر معظم انقلاب است: فرهنگ به عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است.

مقاومت فرهنگی عبارت است از پاسداری آگاهانه و منطقی از فرهنگ خودی و برخورد هوشیارانه و هوشمندانه با فرهنگ بیگانه. رمز موفقیت در مقاومت فرهنگی، شناخت فرهنگ خودی و پدیده‌های اصولی و بنیادی آن است. در مقاومت فرهنگی اولویت اصلی با صیانت و پاسداری از عناصر ثابت و لایتغیر فرهنگ خودی می‌باشد که باید آگاهانه و با بصیرت کامل حفظ و حراست شوند. این پاسداری باید مبتنی بر

آگاهی و هوشیاری همگانی باشد و افراد باید در همه صحنه‌های فردی و اجتماعی، حافظ و نگهبان فرهنگ خودی باشند (مهدی، ۱۳۷۵).

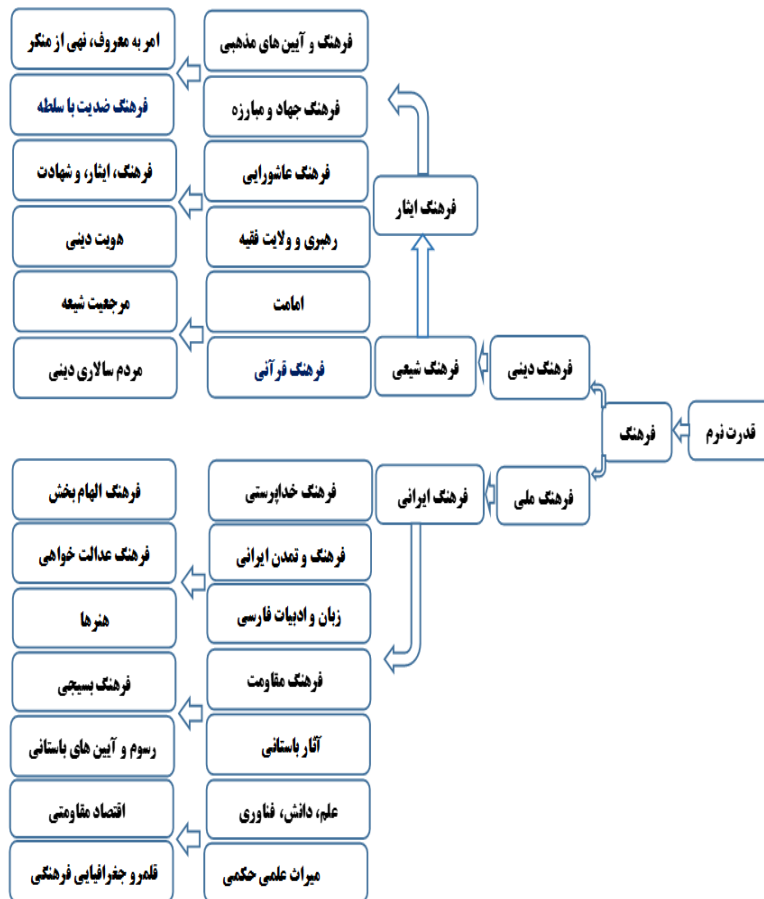
مقاومت‌گرایی اسلامی به این معنا است که گروه‌های مختلف اسلامی درصدد آن هستند تا از حاشیه به سوی مرکز، تغییر مکان دهند. به عبارت دیگر، مقاومت‌گرایی اسلامی مبنای حرکت به سوی تغییر وضع موجود را فراهم می‌سازد. این امر به معنای تلاش برای بازسازی هویت از دست رفته است. روندی که فقط از طریق مقاومت-گرایی حاصل می‌شود (قزلسفلی و فرخی، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۵). در اصطلاح قرآنی و فرهنگ آن، مقاومت به معنای ایستادگی به حالتی گفته می‌شود که شخص برای انجام و تحقق اموری، اقداماتی را انجام می‌دهد که شامل ایجاد مقتضا و از میان بردن مانع و ایستادگی در برابر فشارهاست (فرزانه، ۱۳۹۴). مفهوم مقاومت، پایداری، مفهومی عام در فرهنگ ملت‌هاست. این مفهوم کاملاً ارزش تلقی می‌شود، زیرا یک واکنش غیر ارادی در برابر تهاجم است (کاکایی، ۱۳۸۰، ص. ۵۵).

ایثار و شهادت‌گرایی از واژگانی است که با فرهنگ ایرانیان عجین گشته و پس از انقلاب اسلامی ایران و در دوران دفاع مقدس، در قالب فرهنگ استقامت، سلحشوری و فداکاری نمود یافته است. فرهنگ ایثار و شهادت قبل از ورود اسلام نیز در بین ایرانیان نیز وجود داشته است. در اساطیر و ادبیات داستانی که مربوط به مقاومت ملی و جدال در مقابل بیگانگان بوده است، نشانه‌هایی از ایثار و شهادت ترسیم می‌گردد. در افسانه‌های اساطیری آرش کمان‌گیر در کنشگری خود برای حفظ تمامیت ارضی کشور جان می‌دهد. بعد از اسلام و در مکتب شیعه با الهام از عاشورا روحیه ایثار و شهادت در دوره‌های مختلف بازتولید می‌گردد؛ اساساً ایثار و شهادت از اجزاء لاینفک هویت شیعه است (مصلی نژاد، ۱۳۸۹، ص. ۳۳۶).

فرانسیس فوکویاما می‌گوید: "شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیررس ماست. این پرنده دارای دو بال است، یک بال سرخ و بال دیگر سبز. بال سرخ شیعه ایثار و شهادت‌طلبی است، که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده

است" (ایزدی، ۱۳۸۷، ص. ۸). اگر ملتی راه شهادت را انتخاب کند، هیچ موقع تن به اسارت و ضلالت نمی‌دهد. با توجه به این نوع نگاه امام خمینی (ره) می‌فرماید: "منطق ملت ما منطق صدر اسلام است، اگر بکشیم بهشت می‌رویم و اگر کشته بشویم به بهشت می‌رویم. این منطق شکست ندارد" (امام خمینی، ۳۱۴، ص. ۱۳۷۰).

فرهنگ ایثار و شهادت به‌عنوان ارزشی‌ترین مؤلفه پایداری و مقابله با ظلم در نزد شیعیان محسوب می‌گردد و دارای شاخص‌های قدرت نرم است که بهره‌گیری از آن می‌تواند بنیان یک حکومت عادل را قدرتمندتر و مستحکم‌تر نماید و در مقابل، ریشه یک حکومت فاسق را از پای درآورد. یکی از مفاهیم برجسته مکتب ایثار، بحث عزت-مداری است؛ به‌عبارت‌دیگر، آنچه از این فرهنگ می‌توان استنباط کرد این است که هرگونه تن دادن به ذلت و پذیرش فرهنگ غیر اسلامی و غیر الهی یا هرگونه تسلیم شدن و تمکین کردن در مقابل خواسته‌های دیگران، مطرود و نپذیرفتنی است؛ اگرچه به بهای جان دادن باشد (حسینی، ۱۳۸۱، ص. ۴۴). جلوه‌های الهام‌بخشی از انتظار ظهور و فرهنگ ایثار را در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. فرهنگ ایثار از منابع قدرت نرم جامعه مؤمنان است. این فرهنگ، مولد و تولیدکننده قدرت و اقتدار فرهنگی بوده و روحیه و اراده مبارزه در راه خدا، موجب برهم خوردن موازنه قدرت به نفع مؤمنان در این درگیری و رویارویی است (جوشقانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۱). فرهنگ ایثار و شهادت دارای مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی است که از دیگر فرهنگ‌های مقاومت و پایداری کشورها متمایز و ویژه شده است. مهم‌ترین شاخصه‌های این فرهنگ خداباوری است که گذشت زمان و تغییر و تحول نسل‌ها، هرگز به جاودانگی این فرهنگ انسان‌ساز لطمه‌ای وارد نمی‌آورد (حسین پور پویان، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۱).



نمودار (۲): مدل قدرت نرم و جایگاه و کارکرد فرهنگ ایثار در جمهوری اسلامی ایران (طراحی توسط محقق)

۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ جهت‌گیری یک پژوهش کاربردی است؛ از لحاظ هدف، توصیفی، و از لحاظ ماهیت، علی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. ابتدا مطالعات و داده‌های مربوط به بخش ادبیات و مبانی

نظری تحقیق از میان کتاب‌ها، تحقیقات، مقالات، اجلاس، اسناد دولتی و سندهای راهبردی استخراج و تبیین شد. همچنین از این روش برای جمع‌آوری اطلاعات پیرامون منابع قدرت نرم و رسانه خصوصاً در مطالعات اولیه منابع استفاده شد؛ برای این منظور کتب، مقاله‌ها، بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌های خبری، خبرگزاری‌ها، بولتن‌های ویژه و تمامی منابعی که بتوانند ما را یاری رسانند، مورد توجه قرار گرفت.

۷. قدرت نرم اسلامی

قدرت نرم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای بقا و استمرار نظام‌های مردم‌سالار، در مقایسه با نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی، برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، نمی‌تواند از افزایش مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم خود برای حفظ و بقای نظام غفلت کند؛ زیرا با افزایش قدرت نرم در شرایط عادی است که می‌توان ضمن توانایی بر افکار، اذهان و قلوب توده‌ها، به هم‌افزایی و ذخیره‌سازی قدرت سخت و نیمه‌سخت در مواقع بحرانی دست یافت. بر اساس این، با شناخت منابع قدرت نرم و افزایش مؤلفه‌های آن باید به مقابله با تهدیدات نرم متجاوزین پرداخت (هرسیج، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۸). قدرت نرم در گفتمان اسلامی، برآیندی از چهره مثبت و لطیف قدرت است و منشأ آن خداوند می‌باشد؛ به همین دلیل، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن نیز افزون بر عناصر مادی، شامل جنبه‌های الهی و معنوی است. قدرت نرم اسلامی، شامل مؤلفه‌های فرهنگ (ایثار، شهادت، معنویت و تعقل)، ارزش‌های سیاسی (ولایت‌پذیری، همکاری، تعامل و عدالت) و مطلوبیت‌های سیاست خارجی (دعوت، کمک به مستضعفان جهان و همکاری سازنده و...) می‌گردد (پوراحمدی و جعفری‌پناه، ۱۳۹۱، صص. ۱۶-۱۷). بنابراین در اسلام، قدرت و قدرت ملی حقیقی و مستحکم، ناشی از قدرت الله است که در پرتو ایمان مردم در جامعه تجلی می‌یابد و نشان‌دهنده قدرت آحاد ملت است که در پرتو بیداری و آگاهی (معرفت) به دست می‌آید؛ و از آنجایی که همراه معرفت و آگاهی است، شکننده نیست و قدرت‌های رقیب، توان مقابله با آن را ندارند. علت استحکام

قدرت و توانمندی قدرت در جامعه اسلامی، تقواست. عاقبت و آینده قدرت نرم مشروع در اسلام، تحصیل حیات طیبه است و کلید موفقیت و تعالی افراد جامعه و امت اسلامی محسوب می‌شود. نقطه افتراق اصلی میان قدرت در اسلام و غرب، دین به مثابه منشأ و منبع قدرت است؛ به این معنا که دین در گفتمان غربی قدرت، نقشی ابزاری ایفا می‌کند؛ ولی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، اسلام و ارزش‌های الهی، قلب گفتمان قدرت شمرده می‌شوند (قربی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷). قدرت نرم در قرآن کریم، همسو با فلسفه قدرت در اسلام است و تعریفی متفاوت از قدرت نرم در علوم سیاسی رایج دارد. بدیهی است که هر نوع توانایی و قابلیت که صرفاً خواسته سلطه‌گران را تأمین کند، هرچند به‌دوراز خشونت و زور باشد، از نظر اسلام مشروعیت ندارد. از این رو، قدرت نرم در اسلام به مفهوم توانایی شکل‌دهی و بازسازی آگاهانه ادراک و علائق انسان‌ها از طریق فطرت و عاطفه است. هدایت و عبودیت بشر، اجرای عدالت و تنظیم درست روابط میان انسان‌ها و نظم‌بخشی به شئون زندگی سعادت‌بخش، اهداف این قدرت است. چنین قدرتی با دل‌ها و افکار انسان‌ها سروکار دارد و در عین حال، فرامرزی و خارج از کنترل دولت‌هاست. قدرت نرم اسلام به گونه‌ای است که در شرایط سخت اختناق، نافذ است و در بالاترین موقعیت قدرت، قابل اعمال می‌باشد. قدرت نرم، بر اساس مفهوم مستفاد از قرآن نیز منشأ توانمندی و قابلیت است که آزادانه و خیرخواهانه، انسان را به خودش می‌شناساند؛ آبخوره‌های زلال فکری را حکیمانه تبیین می‌کند و با بیان مسیر درست زندگی با همه لطایف و ظرایف در قالب شریعت، انسان را در انتخاب فکر و عمل آزاد می‌گذارد. بدیهی است که منابع قدرت نرم بر اساس نکات یادشده، متفاوت از دیگر مکاتب می‌باشد. قدرت نرم و منابع آن، ناظر به ریشه‌ها و عوامل پدیدآورنده قدرت، کنش‌ها و جذابیت از منظر قرآن است. سرچشمه‌هایی که به اندیشه بشر جهت می‌دهد، نیازمندی‌های وی را تبیین و آسیب‌های احتمالی او را گوشزد می‌کند؛ ظرفیت‌های نهفته‌اش را به او می‌شناساند و خدا، انسان، جامعه، دوست و دشمن و آیین زندگی را به وی معرفی می‌کند (میرزایی،

۱۳۹۴، ص. ۶۴). این در حالی است که در آموزه‌های مکاتب غربی، منابع قدرت، اغلب مادی و فیزیکی است و کمتر منابع الهی و معنوی و دینی قدرت مدنظر قرار گرفته است؛ اما در آموزه‌های توحیدی قرآن و اسلام، منبع اصلی قدرت نرم، خداوند یکتاست و در ذیل آن، دیگر منابع فرعی و مهم قدرت عبارت‌اند از: علم و دانش، ایمان و باور قلبی به خداوند، وحدت و پرهیز از تعارض‌های مخرب، تقوای الهی، منزلت و پایگاه اجتماعی، ثروت و دارایی، امدادهای غیبی و غیره (ترابی، ۱۳۹۲، ص. ۲۷؛ ایزدی و محمدی، ۱۳۹۰، صص. ۲۲ - ۲۷). قدرت نرم در اسلام، مبتنی بر فطرت است و با تأکید بر اهداف متعالی، سعی در رستگاری مادی و معنوی دارد. قدرت نرم جامعه اسلامی، بر استفاده از منابع نرم‌افزاری تأکید دارد که با ارائه جذابیت‌ها و ماهیت حقیقی قدرت، به‌صورت مشروع برای دعوت و اعمال قدرت به کار می‌رود. قدرت نرم، با محوریت اخلاقیات، به توانمندی و قابلیت اشاره دارد که خیرخواهانه و بر اساس مصالح و منافع عمومی ملت، اهداف حکومت اسلامی را تسهیل می‌کند و زمینه‌های رشد و ترقی را فراهم می‌آورد. قدرت نرم حکومت اسلامی، از قدرت «الله» سرچشمه می‌گیرد و بر اساس میزان ایمان جامعه و مسئولین به وعده‌های الهی و پیروی از ولایت، از کمترین شکنندگی برخوردار است و بن‌مایه قدرت نرم در سیاست خارجی، قدرت نرم اجتماعی و سیاسی است؛ به این معنا که همگنی اجتماعی و سیاسی، زمینه‌های کارآمدی و اقتدار را ارتقا می‌بخشد.

۸. تبارشناسی گفتمان ایثار و مقاومت

گفتمان ایثار و مقاومت همواره در مقابل ظلم وجود داشته است، میشل فوکو معتقد است در مقابل هر زور و ظلم، مقاومتی تولید می‌شود و مقاومت را معلول ظلم و تضییع حقوق انسان‌ها می‌داند. البته به تناسب شرایط زمان مقاومت با فراز و فرود مواجه بوده، گاهی تقیه نموده، گاهی به‌صورت پنهان وارد عمل شده و گاهی نیز از قدرت‌های خارجی برای حمایت از خود استفاده کرده و گاهی نیز به قیام و انقلاب مردمی تبدیل

شده است. همه ادیان آسمانی انسان‌ها را به مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و سرکشی فرامی‌خوانند.

شکل‌گیری هویت ایثار و مقاومت در مقابل گفتمان شرق‌شناسی را می‌توان بر اساس روایت جدیدی دانست که ناشی از بازنمایی اسلام است. از طریق تأکید بر ارزش‌های مرکزی اسلام سعی دارد تا مطلوبیت‌های جهان غرب را بر اساس قالب‌های گفتمانی کاملاً متفاوتی بازنمایی کند و تغییر اجتماعی در سطوح مختلف ایجاد نماید (مختاری؛ دهقانی، ۱۳۹۴، صص. ۱۰۹-۱۰۱). در این میان انقلاب اسلامی در مقام مهم‌ترین سازه شناختی - اخلاقی پارادایم مقاومت، از شاخص‌های ضد نظام محسوب می‌شود که فرم‌اسیون نظام جهانی مسلط را به چالش کشاند، بنابراین تحولات ژئوکالچر، نمادی از سیاست فرهنگی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که چرخه‌های نظام جهانی را دچار اختلال می‌سازد. اهمیت بحث درباره انقلاب اسلامی در تحولات ژئوکالچریک جهان اسلام در این است که انقلاب اسلامی، به‌عنوان «نخستین قیام بزرگ علیه نظام‌های زمینی» فراگیرترین و مدرن‌ترین قیام با بهره‌گیری از نظام معنایی و اندیشگی بدیع توانست با وصل کردن خود به ریشه‌های دینی، به‌صورت یک بدیل زنده سیاسی جلوه کند. در کانون گفتمان انقلابی، اسلام به‌مثابه یک دال متعالی نشسته بود، غنای مفهومی و محتوایی این دال استعلایی، تمامی زوایا و زمینه‌های زندگی آدمی را در بر گرفته، سیاست را هم‌نشین دیانت کرده، هر دو را ریسمانی عرفانی بخشیده و هر سه را در کنش اجتماعی در منزلت تئوری راهنمای عمل نشانده بود (تاجیک، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۹).

فرهنگ ایثار و شهادت یعنی تلاش و کوشش در راه ارزش‌های والا و به معنی کوشش و تلاشی است که قدمتی به‌اندازه قدمت بشریت دارد. ایثار و مقاومت تلاش اعتقادی، خودآگاهانه، همه‌جانبه، همگانی و همیشگی است چه در سطح خرد (مبارزه با نفس) و چه در سطح کلان (پیکاری اجتماعی برای محو ظلم و بی‌عدالتی) از انگیزه‌های درونی افراد سرچشمه می‌گیرد. ایثار و جهاد حاوی دو مفهوم، سلبی و

ایجابی است؛ وجه سلبی آن از بین بردن ظلم و ستم چه بر نفس و چه بر جامعه و وجه ایجابی آن سازندگی نفس و یا سازندگی جامعه است (واشقانی، ۱۳۹۰، ص. ۲). «فرهنگ ایثار و مقاومت پیوند همه‌جانبه‌ای با هنجارهای رفتاری مردم ایران دارد. فرهنگ ایثار و مقاومت یکی از موضوعات بنیادین ساختار سیاسی ایران محسوب می‌شود. درک فرهنگ ایثار و مقاومت، نیازمند مفهوم‌سازی، شاخص‌سازی و تبیین گویه‌های مربوط است. بنابراین یکی از شاخص‌های مفهومی فرهنگ مقاومت را باید در ارتباط با استعاره‌های اجتماعی تبیین کرد. مفاهیمی همانند ایثار و شهادت، جبهه‌ها، کربلا، مقاومت و پیروزی را باید در زمره چنین استعاره‌هایی دانست (مصلی نژاد، ۱۳۹۳، صص. ۶-۸). فرهنگ ایثار و شهادت یک مفهوم کلی است که از جمله مصادیق آن دین‌محوری، ولایت‌مداری، ایثار و خود گذشتگی، مردم‌گرایی، ارزش‌مداری، انعطاف‌پذیری، خودباوری، پویایی، مأموریت‌پذیری می‌باشد و فرهنگ ایثار و شهادت پدیده‌ای اسلامی است که با وقوع انقلاب عظیم اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) تجلی پیدا کرده است (محمودزاده و همکاران، ۱۳۸۸، صص. ۲۶-۲۸). شهید مطهری نیز در تبیین ایمان دینی در جهت‌دهی گرایش‌های انسان در روحیه جهاد و فداکاری می‌نویسد: «گرایش‌های ایمانی مذهبی موجب آن است که انسان تلاش‌هایی به‌رغم گرایش‌های طبیعی فردی انجام دهد و احیاناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد؛ این در صورتی است که ایده انسان جنبه تقدس پیدا کند و حاکمیت مطلق بر وجود انسان بیابد. تنها نیروی مذهبی قادر است که به ایده‌ها تقدس ببخشد و حکم آنها را در کمال قدرت بر انسان جاری سازد. گاهی افراد نه از راه ایده و عقیده مذهبی، بلکه تحت تأثیر فشار عقده‌ها، کینه‌توزی‌ها، انتقام‌گیری‌ها و بالاخره به‌صورت عکس‌العمل شدید در برابر احساس فشارها و ستم‌ها دست به فداکاری می‌زنند و از جان و مال و همه حیثیات خود می‌گذرند. ولی تفاوت یک ایده مذهبی و غیرمذهبی این است که آنجا که پای عقیده مذهبی به میان آید و به ایده قداست ببخشد، فداکاری از روی کمال رضایت و به‌طور طبیعی صورت می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۸۵، ص. ۳۴).

۹. ارتباط سنجی فرهنگ ایثار و مقاومت و قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران

قدرت نرم فرهنگ شیعه بدون توجه به عقاید و نمادهای آن که پدیدآورنده ایدئولوژی مذهبی آن است بی‌معناست. تشیع، آموزه‌ها و نمادهایی دارد که با به حاشیه راندن قرائت‌های محافظه‌کارانه و به متن آوردن قرائت‌های انقلابی تبدیل به یک ایدئولوژی شده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص. ۱۶۲). فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ شیعه جایگاه بسیار والا و ارزشمندی دارد و در میان مسلمانان به‌ویژه شیعیان، بirq استقامت در راه دین است؛ از این رو یکی از سنت‌های عاشورا و اربعین در میان شیعیان، گردهمایی‌های میلیونی و برگزاری راهپیمایی در این روز است. گردهمایی‌های میلیونی و برگزاری راهپیمایی، تجلی قدرت شیعیان در عصر نوین است. تجمعات و راهپیمایی در فرهنگ‌های مختلف یک حرکت انقلابی و سیاسی به شمار می‌آید؛ اما این تجمعات و راهپیمایی، بیانگر زنده‌بودن ماجرای کربلا و عاشورا و فرهنگ ایثار و شهادت است. اربعین حسینی بزرگ‌ترین همایش اعتقادی - انسانی بر روی کره زمین، اکنون در اختیار شیعیان است (پورامینی، ۱۳۹۲، ص. ۷۵). از نظر جمعیت شرکت‌کننده از کنگره عظیم حج که با حضور حداکثر چهار میلیون مسلمان برگزار می‌شود پیشی گرفته است. چند سالی است که جمعیتی پنج برابر حج تمتع، در زیارت عاشورا و اربعین گرد هم می‌آیند (زارع خورمیزی، ۱۳۹۲، ص. ۳۰۹).

عاشورا و اربعین به‌عنوان نمادهای فرهنگ ایثار و شهادت می‌تواند به‌عنوان مرکز و ثقل مقدسی برای تجمع شیعیان از اقصی نقاط جهان موجب وحدت و یکپارچگی و تقویت روحیه ایثار و شهادت و ارتقاء قدرت نرم در بین شیعه شده و آرمان‌های شیعه را فارغ از قیدوبندهای قومی و منطقه‌ای در پیوند با ژئوپلیتیک شیعه محقق سازد. این گردهمایی‌های عظیم و برگزاری راهپیمای معنوی، شکلی از اتحاد و یکپارچگی شیعیان را به وجود آورده است، به‌طوری‌که ایام محرم، عاشورا و اربعین حسینی به روز جهانی

وحدت مسلمانان در مقابل جریان‌های استکباری و تکفیری تبدیل شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۲). نکته مهم این‌که، هر سال بر تعداد شرکت‌کنندگان و همچنین تعداد کشورها و مذاهب دیگر در این مراسم افزوده می‌شود؛ این امر باعث اتحاد و به یک نماد صلح جهانی در بین مسلمانان و شیعیان تبدیل شده است و نقش گسترده‌ای بر قدرت نرم شیعیان و اتحاد و انسجام آن‌ها داشته است. ظرفیت‌ها و کارکردهای عظیم این آیین‌ها دارای پیامدهای قدرتی، هویتی و همبستگی فراوان است که می‌تواند باعث ارتقاء قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران شود.

۱۰. فرهنگ ایثار و مقاومت مولد قدرت نرم و امنیت نرم

با توجه به ارتباط تنگاتنگ و عمیق دو مسئله امنیت ملی و فرهنگ ایثار و شهادت، باید گفت امنیت ملی زمانی قابل حصول خواهد بود که جامعه در فضای سرشار از اطمینان خاطر و آسودگی خیال باشد؛ آرامشی که در سایه آن زندگی عادی جامعه تداوم یافته و هیچ نیروی تهدیدکننده‌ای در آن نباشد. در چنین شرایطی تلاش برای زندگی و امید به آینده، راه را برای توسعه باز خواهد کرد و نشانه‌های پیشرفت فراروی جامعه واقع خواهند شد.

جامعه صدر اسلام و مدینه‌النبی نمونه روشنی از امتزاج سیاست، نظم و امنیت با روحیه ایثار، شهادت‌طلبی و غلبه اندیشه و فرهنگ جهاد و شهادت است که در آن مردان و زنان آرزوی شهادت را بر زبان جاری ساخته و با عشق و ایمان و شجاعت و صف‌ناپذیر خود را مهیا فداکاری می‌کردند. از آن جمله و از میان صدها نمونه عمرو بن جموح است که می‌گویند به هنگام خروج از منزل روبه‌قبله کرد و گفت: «اللهم لاتردنی الی اهلی و ارزقنی الشهاده» یعنی خدایا مرا به‌سوی خانواده‌ام برنگردان و شهادت را روزی من بگردان. با شناخت و تحلیل آیین جامعه و نظام سیاسی که به دست پیامبر بزرگ اسلام بنیان گذاشته شد؛ از یکسو تنظیمات سیاسی، قانون اساسی و استقرار امنیت با تعیین حدود و ثغور روابط افراد و قبایل مختلف با یکدیگر و تعریف

مناسبات آنان با دولت جدید و تنسیق امور شهر مبتنی بر قواعد جدید دیده می‌شود و از سوی دیگر تلاش برای تعمیق ایمان و عقیده و توسعه معنویت با الهام از دستورات و آیات الهی به منظور تحکیم و تضمین امنیت که توأمان سرنوشت جامعه اسلامی و روبه پیشرفت مسلمانان را در مدینه رقم می‌زدند. با مطالعه نظام سیاسی - اجتماعی دولت پیامبر(ص) به وضوح آنچه امروز پیوند دین و سیاست (و به تبع از آن امنیت و شهادت) خوانده می‌شود، قابل درک بوده و بر این اساس امنیت ملی به عنوان عالی‌ترین هدف سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها در امتزاج و آمیختگی با فرهنگ ایثار و شهادت قرار می‌گیرد. نمونه دیگر در این خصوص هشت سال دفاع مقدس جامعه ایران اسلامی است که روشن‌ترین جلوه‌های این حقیقت را به نمایش گذاشت.

پیچیده‌ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. برای کشوری که هویت فرهنگی آن، مؤلفه اصلی تلقی می‌شود، این امر اهمیت بیشتری دارد، چرا که در سال‌های پس از جنگ سرد که سیاست خارجی دولت‌ها، هویتی و فرهنگی تمدنی شده است نقش عوامل فرهنگی در سرشت قدرت ملی کشورها نیز بیشتر شده است. نقش مردم در تأثیرگذاری بر رویکردها و عملکردها، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای است و این‌که چگونه می‌اندیشند؟ دیدگاهشان نسبت به حکومت چیست؟ و تا چه اندازه حاضرند در راه رسیدن به آرمان‌های ملی و اعتقادی مقاومت و ایستادگی کنند؟ فرهنگ، باور و ارزش، و جهان‌بینی و نوع تفکر مردم یک کشور جایگاه ویژه‌ای در ارزیابی قدرت ملی برای تأمین امنیت ملی به‌شمار می‌رود. دشمنان با تهاجم فرهنگی تهدید نرم را شروع و به دنبال ایجاد انواع بحران‌های فرهنگی و سیاسی در جامعه برای دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی هستند و هدف اصلی این نوع تهدید، سلب اراده و روحیه مقاومت، و تغییر در نگرش‌ها و باورها و آرمان‌های ملت‌هاست تا ملت‌ها را برابر خواسته‌های خود تسلیم کنند. به طوری که امروزه کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و درعین حال خطرناک‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور تهدید نرم است؛ چرا که می‌توان با کمترین هزینه بدون لشکرکشی و مقاومت فیزیکی به هدف رسید و این

تهدید به (روحیه و اراده) ملت‌ها به‌عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می‌کند و عزم و اراده ملت را از بین می‌برد و مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست‌های نظام را تضعیف می‌کند و فروپاشی روانی یک ملت، مقدمه‌ای برای فروپاشی سیاسی - امنیتی ساختارهای آن است.

۱.۱. اثربخشی فرهنگ ایثار بر امنیت نرم

ایثار و ازخودگذشتگی، به‌عنوان یکی از ارزش‌های دینی و مذهبی، در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی در پیروزی انقلاب، به‌خصوص جنگ تحمیلی ایفا کرد که علاوه بر اهداف بلند و آرمان‌خواهانه حاملان آن که نگاهی فراملی و امت‌گرایانه را در طول انقلاب و جنگ تحمیلی دنبال می‌نمودند، در حال حاضر نیز ضامن امنیت ملی و هویت‌بخش جامعه و جزئی از فرهنگ دینی و ملی محسوب می‌شود. روحیه و فرهنگ ایثار و مقاومت که ریشه در باورهای دینی و ملی ما پیدا کرده است و تبلور آن را در دفاع مقدس شاهد بوده‌ایم، می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع قدرت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران در چارچوب تئوری‌های روابط بین‌الملل محسوب گردد و یا در همین چارچوب، با استفاده از اصل «بازدارندگی» به‌عنوان نیرویی بازدارنده در مقابل هجوم و تهدید بیگانگان تلقی شود. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در محیط امنیتی کشور با طیف وسیعی از تهدیدات داخلی و خارجی مواجه بوده است که درک محیط راهبردی و تحولات آن توسط رهبری و مسئولان نظام، با بهره‌گیری از قدرت نرم‌افزاری نظام؛ یعنی بسیج توده‌ها و رضایت و اعتماد آنان به نظام اسلامی، منجر به کارویژه امنیتی خنثی‌سازی تهدیدات و چه‌بسا تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها بوده است.

در اندیشه دفاع مردمی امام خمینی(ره) توجه به فرهنگ ایثار و شهادت جایگاه ویژه‌ای دارد. راهبرد دفاع مردمی امام در حماسه هشت سال دفاع مقدس با مؤلفه‌هایی چون: معنویت‌گرایی، ایثار و فداکاری، شهادت‌طلبی، مقاومت و ایستادگی، میهن‌دوستی

و حمیت ملی تجلی می‌یابد. دفاع مقدس نشان داد که آمیختگی فرهنگ دینی و روحیه مقاومت و همت مردمی در برابر متجاوزان، شکلی از جنگ را پدید آورد که شاید کمتر شباهتی به دیگر جنگ‌های جهان پیدا می‌کرد. فرهنگ شیعی و علوی متأثر از وقایع تاریخی به‌ویژه عاشورا جوهره خاص تجلی فرهنگ ایثار و شهادت به جنگ بخشید و نشان داد، مردم در ایجاد، بقاء و استمرار حکومت اسلامی و هم در اهداف و مقاصد و هم در کارکردها و مسئولیت‌ها نقش اساسی دارند (شعبانی ساروئی، ۱۳۸۴، صص. ۱۲۶-۱۲۷). امروزه با تحولی که در مقوله قدرت و منافع ملی پدید آمده است، قدرت صرفاً به قدرت نظامی محدود نمی‌شود و بی‌تردید این تحولات بر مفهوم امنیت ملی نیز تأثیر شگرفی داشته است و امنیت ملی نیز صرفاً به معنای داشتن آمادگی نظامی و راهبردهای جنگی به کار نمی‌رود. در راهبرد دفاعی نظام‌های سیاسی، استراتژی بازدارندگی نقطه کانونی هدف است که در رسیدن به این هدف، ابزارها و شیوه‌های گوناگونی از قبیل دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، فن‌آوری نوین و پیشرفته، توانمندی‌های علمی و فرهنگی، قدرت برتر اقتصادی و سیاسی و... متصور است که در میان این عوامل برای کشورهای درحال توسعه و مستقل، انتخاب راهبرد بازدارندگی مردمی جایگاه اساسی دارد (شعبانی ساروئی، ۱۳۸۴، صص. ۱۲۶). نتیجه تحقیق دانشجویان دانشگاه ملی جنگ آمریکا در خصوص جنگ ویتنام منجر به این نتیجه شد که مرکز ثقل استراتژیک آن کشور مردم بوده‌اند. البته، منظور تعداد مردم در جبهه‌های جنگ نیست، بلکه عقاید و اندیشه‌های آنان است (جمراسی، ۱۳۷۴، صص. ۲۳). استراتژی بازدارندگی مردمی در زمره مهم‌ترین راهبردهای دفاعی کشورهایی محسوب می‌شود که در معرض خطر تهاجم یا تجاوز دشمن بالقوه قرار دارند. این سیاست دارای دو بعد دفاعی و تبلیغی است. در بعد دفاعی کشور در معرض تهاجم می‌کوشد با افزایش منابع داخلی قدرت و بسیج، برتری خود را بر توان نظامی بالقوه دشمن نشان دهد تا در این رهگذر، او را از اقدام تجاوزکارانه یا از اقدام اشغال بازدارد و با به رخ کشاندن نیروی مقاومت مردمی و قابلیت آماده‌سازی نظامی از طریق بسیج دفاعی و تشکیل نیروهای

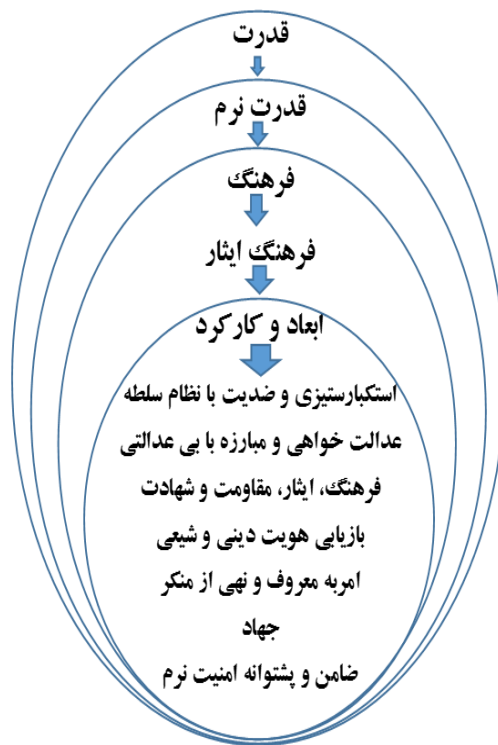
غیرنظامی، در اراده تجاوزگری دشمن تزلزل ایجاد کند و او را در اقدام به هجوم یا تجاوز احتمالی بر حذر دارد. در بعد تبلیغی، این استراتژی زبانی یا اعلامی یا تبیینی بر آن است که به دشمن بالقوه تفهیم کند که هزینه و بهای اقدام به جنگ بیش از منافع متصور آن است و او را متقاعد سازد که با توجه به اینکه با ملتی روبه‌رو خواهد شد که از وحدت، انسجام، صبر، پایداری و مقاومت سرسختانه، فداکاری و جان‌فشانی، ایثار و انگیزه دفاعی برخوردارند، ضربات سنگین را متحمل خواهد شد و به فرض تسلط ظاهری بر سرزمین آن کشور، نه بر قلوب مردم مستولی خواهد شد، نه بر اراده آن‌ها؛ و در نهایت با شکست سهمگین سیاسی و ایدئولوژیک مجبور به بازگشت به سرزمین خود خواهد شد. لذا کشور در معرض تهاجم تلاش می‌کند با به‌کارگیری استراتژی بازدارندگی مردمی، برتری قدرت عددی و ایمانی را بر قدرت تسلیحاتی و قهرآمیز به دشمن نشان دهد (دهشیری، ۱۳۷۷، ص. ۱۷۵). امام خمینی (ره) با تأکید بر تکلیف بودن دفاع برای همه افراد جامعه، موجبات مشارکت گسترده و داوطلبان همه قشرهای مردم را فراهم آورد. مردم متعهد ایران علاوه بر وظیفه ملی احساس تکلیف شرعی می‌کردند که در نبرد و جهاد فی سبیل الله با تمام وجود و با مال و جان خود در مقابل دشمن ایستادگی نمایند و به دشمن و حامیان منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ جهانی نشان دادند که هیچ سلاحی در مقابل قدرت ایمان و اراده دینی توان مقابله نخواهد داشت. تجاوز دشمن باعث شد تا مردم هویت، حیثیت ملی و مذهبی و هستی خود را در خطر ببینند و بر اساس معیارهای عقلی و دینی برای مقابله با دشمن، رفتار خاصی را از خود نشان دهند که می‌توان آن را با واژه‌هایی مانند فرهنگ ایثار و شهادت، مقاومت، شجاعت، تحمل سختی و مشقت و از خودگذشتگی، ترجیح مصالح ملی و عمومی به مصالح فردی در عالی‌ترین شکل، توصیف کرد (دهشیری، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۶).

۱۲. نتیجه‌گیری

فرهنگ ایثار و مقاومت جمهوری اسلامی ایران را در مؤلفه‌هایی مانند: استکبارستیزی،

روحیه جهادی و شهادت‌طلبی، تأکید بر هویت دینی و مردم‌سالاری دینی و... می‌توان تبیین کرد. اگر به سیر تقابل استکبار با جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد عدم امنیت سخت و نرم در سه دهه گذشته نظر بیفکنیم، درمی‌یابیم که در دهه اول تقابل در حوزه نظامی است و سراسر این دهه جنگ، کودتا و ترور می‌باشد. اما از ابتدای دهه دوم، بحث فراگیر عمومی در جامعه ایرانی مسئله «تهاجم فرهنگی» و ایجاد تهدید نرم بود. استکبار در دهه سوم در راستای هجمه فرهنگی به فکر مهار انقلاب اسلامی در سطح جهان افتاد (والی زاده، ۱۳۸۸، ص. ۸). لذا امروز به اعتراف نظریه‌پردازان غربی درگیری اصلی بین فرهنگ دینی انقلاب و نظام اسلامی با فرهنگ غربی است. هانتینگتون معتقد است «تقابل اصلی آینده جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است». دیوید کیو، مأمور سازمان سیا چنین می‌گوید: «مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم» (نگارش، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۴). ناتوی فرهنگی به دلیل ویژگی‌های خود از پیچیدگی خاصی برخوردار است و چالش آن افزون‌تر از ناتوی نظامی است و مقابله با آن نیز با مشکلات بیشتری مواجه خواهد بود. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱. نامحسوس و نامرئی بودن اقدامات، ۲. به‌ظاهر رسمی و قانونی بودن؛ ۳. درازمدت و دیرپا بودن و ماندگار در روح و فکر و تخریب اندیشه‌ها. ۴. هدف گرفتن فرهنگ به‌عنوان سنگ زیرین و پایه اصلی جامعه و نسخ هویت اسلامی و ملی و بیگانه کردن انسان‌ها از خود. ۵. استفاده از تمامی حربه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، روانی، تبلیغاتی و... ۶. با برنامه عمل کردن و داشتن طرح و برنامه در فواصل کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت. ۷. استفاده از ابزارها و امکانات تکنولوژیک و تخصیص بودجه‌های کلان. ۸. استفاده از ادبیات و الفاظ مردم‌پسند. ۹. بهره‌گیری گسترده از مواد مخدر، سایت‌های مستهجن و فساد و فحشاء. ۱۰. سود جستن از شیوه‌های نوین و متنوع. ۱۱. حرمت‌شکنی و توهین به مقدسات (راهبردهای جهاد فرهنگی در تقابل با ناتوی فرهنگی، ۱۳۸۶). در بررسی مصادیق و ویژگی‌های ناتوی فرهنگی، تهدیداتی که در این

راستا وجود دارد و خساراتی که ممکن است در این راستا متحمل شویم، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- در معرض خطر قرار گرفتن هویت‌های ملی، دینی و نژادی. ۲- تضعیف و ایجاد شبهه در باورهای دینی و انقلابی مردم. ۳- جایگزین رسانه‌های جهانی به جای رسانه‌های ملی. ۴- تحول در تلقی و الگوهای زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (امیری، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲). الگویی که برای مقابله با این همه‌ها و این ناتوی دشمن می‌توان به کار برد، چیست؟ مقام معظم رهبری می‌فرماید: «الگوی مقاومت و مبارزه پیش روی ماست؛ یعنی می‌توان با مقاومت و مبارزه و البته تحمل خسارت، به پیروزی رسید» (مقام معظم رهبری، ۸۰/۲/۴). عناصر قدرت نرم مشتق از منابعی چون فرهنگ، ارزش‌های اجتماعی و سیاست موفق اقماعی است که می‌تواند در کشورهای مختلف وجود داشته باشد، اما آنچه مهم می‌باشد این است که در هر کشوری عناصر قدرت نرم که به‌عنوان دارایی‌های آن کشور محسوب می‌شود و تولید جذابیت می‌کنند تابعی از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و تاریخی خاص آن کشور محسوب می‌گردند و با تحول بسترها و شرایط تغییر می‌یابد که به نظر می‌رسد هر کشوری به سهولت از آن برخوردار نمی‌باشد. انقلاب اسلامی ایران و نظام برخاسته از آن که بر بنیاد ارزش‌های دینی استوار شده است از بدو شکل‌گیری با ابتدای به فرهنگ جهان‌شمول اسلام، ضمن تبیین قدرت نرم‌افزاری دین، فرهنگ و ایدئولوژی، مبادرت به متجلی کردن عناصر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، روان‌شناختی و اطلاعاتی فراوانی از قدرت نرم کرده است که به‌یقین می‌توان گفت ماهیت، اهداف و خاستگاه عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران متفاوت از نوع قدرت نرم در سایر کشورهاست. منبع و خاستگاه عناصر قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران جدای از فرهنگ و تاریخ ملی، متکی به ارزش‌های منبعث از دین به‌ویژه فرهنگ ایثار و شهادت است که دستاورد آن، عالی‌ترین سطح امنیت نرم است و در واقع، قدرت نرم، در ابعاد و ماهیت و گستره انسان‌شناسانه، هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه از ابعاد قدرت نرم موردنظر ژوزف نای و دیگر اندیشمندان غربی متفاوت است.



نمودار ۳: رابطه قدرت نرم و فرهنگ اینار

یادداشت

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری علوم سیاسی جعفر حیدری تحت عنوان «تجزیه و تحلیل تأثیر رسانه‌های نوین بر قدرت نرم جمهوری اسلامی با تأکید بر فرهنگ ملی و دینی» با راهنمایی آقای دکتر حسین مسعودنیا و آقای دکتر سیدغلامرضا دوازده-امامی و مشاوره آقای دکتر محمودرضا قاضی‌رهبر، دانشگاه اصفهان، مقطع دکترا می‌باشد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم

۲. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ ق). *لسان العرب*، قم: نشر ادب الحوزه.
۳. اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۲)، «رویکرد اسلامی در فرآیندهای حکومت»، مترجم: مهدی حجت، پگاه حوزه، ش ۱۲۲.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، «چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره چهارم.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «مبانی فرهنگی مدیریت استراتژیک و امنیت داخلی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره سوم.
۶. افتخاری، اصغر و شعبانی، ناصر (۱۳۸۹)، *قدرت نرم نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب الله و جنگ ۲۲ روزه غزه*. تهران: انتشارات امام صادق (ع).
۷. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی قدرت نرم*، تهران: نشر ساقی.
۸. امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، *انسان ۲۵۰ ساله*، (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام)، تهران: چاپ منصوری.
۹. امام خمینی، روح ... (۱۳۸۷)، *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰)، «جهانی شدن فرهنگ و راهبردهای مقاومت فرهنگی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات بسیج*، سال چهاردهم، شماره پنجاه، بهار.
۱۱. ایزدی، حجت الله (۱۳۸۷)، «مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال ۱۱، شماره ۴۰.
۱۲. ایزدی، فؤاد و محمدی، محمدجواد (۱۳۹۰). «تولید قدرت نرم در گفتمان انقلاب اسلامی»، *مطالعات بسیج*، س ۱۴، ش ۵۱، تابستان.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). «قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، قم: بوستان کتاب.
۱۳. آقابخش، علی (۱۳۶۶)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: بهرنگ.

۱۴. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، «قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». قم: بوستان کتاب.
۱۵. پورامینی، محمدامین (۱۳۹۳)، «جایگاه زیارت اربعین در متون حدیثی و فقهی»، مجله فرهنگ زیارت، قم: حوزه علمیه قم. سال پنجم، تابستان و پاییز، شماره ۱۹ و ۲۰.
۱۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، *مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
۱۷. ترابی، قاسم و رضایی، علیرضا (۱۳۹۰)، «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی»، *مطالعات راهبردی*، س ۱۴، ش ۴.
۱۸. جمراسی فرهانی، علی اصغر (۱۳۷۴). *بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی*، مرکز آموزش دولتی.
۱۹. جوشقانی، حسین (۱۳۸۹)، *جنگ نرم از دیدگاه قرآن*. تهران: نشر ساقی.
۲۰. حسین پورپویان، رضا (۱۳۸۷)، *بسیج و کاربرد قدرت نرم در دوران هشت سال دفاع مقدس*. جلد ۳، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۱. حسینی جلالی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳)، «نقش اربعین در احیاء باد عاشورا و گسترش نهضت امام حسین (ع)»، *مجله فرهنگ زیارت*، سال پنجم، تابستان و پاییز، شماره ۱۹ و ۲۰.
۲۲. حسینی، حسین (۱۳۸۱)، *رهبری و انقلاب: نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی*. چاپ اول. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲۳. خمینی، روح الله (۱۳۷۰)، *صحیفه نور*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چ ۲، جلد‌های ۹ و ۲۵.
۲۴. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، شماره ۵۷.
۲۵. دهقانی، روح الله (۱۳۹۴)، «اندیشه فرهنگی استوارت هال»، *مجله خبری انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۲۷.
۲۶. رفیع، حسین و نیک‌روش ملیحه (۱۳۹۲)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم» *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۶، شماره ۲۲.

۲۷. زارع خورمیزی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «اربعین‌های خونین»، مجموعه مقالات اربعین، جمع‌آوری شده توسط جمعی از نویسندگان، قم: پژوهشکده حج و زیارت، صص. ۳۰۳-۳۲۹؛ ۲۱.

۲۸. سیف زاده، حسین (۱۳۸۲)، *اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)*، تهران: نشر میزان.

۲۹. شعبانی ساروئی، رمضان (۱۳۸۴). *استراتژی دفاع مردمی و تأثیر هویتی آن، فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۶، شماره ۳.

۳۰. شهرام، امیر مسعود و دیگران (۱۳۹۱)؛ «واکاوی مفهومی قدرت نرم و راهکار (فرصت)‌های ایران در قبال آن»، *مجله دانش سیاسی و بین‌الملل*، سال اول، ش ۳.

۳۱. عضدانلو، حمید (۱۳۷۵)، «درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۱۰۳ و ۱۰۴.

۳۲. فرهنگ ایثار (۱۳۸۳). *فصلنامه فرهنگی-اجتماعی*، ش ۴.

۳۳. قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۰). «درآمدی بر قدرت نرم»، *عملیات روانی*، س ۸، ش ۲۹، تابستان.

۳۴. کوئن، بروس (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه توسلی و فاضل، تهران: نشر اقبال.

۳۵. کیانی، امران و سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۶). *بررسی نقش و کارکرد نمادهای مناسکی در همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۱(۴۱)، ۵۱-۷۰.

۳۶. لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی*. شماره ۴۹.

۳۷. مایلی، محمدرضا و مطیعی، مریم؛ «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۹، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۵.

۳۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۰)، «*جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*»، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.

۳۹. محمدی، یدالله (۱۳۸۹)، «*انقلاب اسلامی و نقش تاریخ‌ساز امام خمینی در تولید قدرت نرم*»، پایگاه مجازی تحلیل و بررسی جنگ نرم.

۴۰. مختاری، مریم و دهقانی، عبدالرحیم (۱۳۹۴)، «تحلیل جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه با تأکید بر مؤلفه‌های شرق‌شناسی ادوارد سعید»، *دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان.
۴۱. مسعودنیا، حسین؛ علی حسینی، علی و محمدی‌فر، نجات (۱۳۹۳). «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال هفدهم، شماره ۶۳.
۴۲. مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۹)، *فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: فرهنگ صبا، چ ۴.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، *جهان‌بینی توحیدی*، تهران: انتشارات صدرا.
۴۴. میرزایی، محمد (۱۳۹۴). «قدرت نرم و منابع آن در آینه آیات قرآن»، *آموزه‌های قرآنی*، ش ۲۱، بهار و تابستان.
۴۵. میرقادری، کیانی (۱۳۹۱)، «مقاله بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، دوره ۱، شماره ۱، تابستان.
۴۶. نای، جوزف (۱۳۸۲)، «قدرت نرم، سیاست خارجی»، ترجمه حسینی مقدم، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۹.
۴۷. نای، جوزف (۱۳۸۳)، «کاربرد قدرت نرم»؛ ترجمه محسن روحانی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۸. نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت در عصر اطلاعات: از واقع‌گرایی تا جهانی شدن*، ترجمه سعید میرترابی
۴۹. نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام‌صادق (ع).
۵۰. نای، جوزف (۱۳۸۹)، *قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری
۵۱. نای، جوزف (۱۳۹۰)، «گفتگوی اینترنتی با جوزف نای مبدع نظریه قدرت نرم»، *ماهنامه روابط فرهنگی*، سال اول، ش ۴.
۵۲. نای، جوزف (۱۳۹۲)، *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
۵۳. نگارش، حمید (۱۳۸۰)، *هویت دینی و انتطاع فرهنگی*، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

۵۴. والی‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۸)، «تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن»، ماهنامه معارف، شماره ۶۹، پاییز.
۵۵. هاشمی مطهر، سیدمحمد و عودی، ستار (۱۳۹۷). خوانش سیاسی تعزیه در انقلاب اسلامی. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۲(۴۵)، ۱۳۷-۱۵۷.
۵۶. هال، استوارت (۱۳۸۶)، *غرب و بقیه: گفتمان و قدرت*، ترجمه محمود متحد، تهران: مؤسسه انتشارات آگه.
۵۷. هالستی، کالوی جاکو (۱۳۶۶)، «برداشت‌های مختلف در مطالعه سیاست بین‌المللی»، ترجمه: بهرام مستقیمی و مسعود طارم، *نشریه سیاست خارجی*، سال اول، شماره دوم بهار ۶.
۵۸. هرسیج، حسین (۱۳۹۰)، «تجزیه و تحلیل ویژگی‌های، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال اول، پیش‌شماره سوم.
۵۹. هرسیج، حسین و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، شماره ۹ فصل بهار.